دگر انديشان عرب و اسباب نزول آيات حجاب

محمد فرجاد

چکیده: در این نوشتار قرائت های دگراندیشان عرب و استواری این قرائت ها بر اسباب نزول آیات حجاب به بحث و بررسی گذاشته شده است.

در متون تفسیری، روایی و تاریخی شیعه و اهل سنت هفت سبب نزول برای آیه پنجاه و سوم سوره احزاب آمده است. جابری، مرنیسی و عشماوی براساس اسباب نزول آیه شریفه، حجاب در عبارت «فسئلوهن من وراء حجاب» (احزاب / 53) را حجاب اصطلاحی نمی شناسند و حکم حجاب را ویژه همسران پیامبر(ص) می دانند و از پذیرش عمومیت آیه سر باز می زنند.

آیه پنجاه و نهم سوره احزاب چهار سبب نزول دارد. جابری و عبد الفتاح عبدالقادر با بهره گرفتن از این اسباب، عبارت «ان یعرفن» و برخورد تند عمر با کنیزان محجبه، علت حکم حجاب را شناسایی زنان آزاد و آزار ندیدن ایشان می خوانند و براساس قاعده «حکم دائر مدار علت است» از انتفای حکم به انتفای علت سخن می گویند.

آیه سی و یکم سوره نور سه سبب نزول دارد. عقله، شحرور، جابری و عشماوی از اسباب نزول این آیه سود برده و حجاب سینه را تنها مدلول آیه معرفی می کنند.

نویسنده این مقاله پس ازگزارش هر یک از این قرائت ها به نقد و بررسی آنها نشسته و با معیارهایی که خود این دگراندیشان پذیرا هستند، نظریات آنها را در ترازوی نقد می نهد.

كليد واژه‏ها: حجاب، اسباب نزول، قرائت ها، جابری، عشماوی، مرنیسی، شحرور، عقله، عبدالفتاح عبدالقادر

يكي از مباني اصلي و كليدي نوانديشي ديني ، اسباب نزول است. دگرانديشان، سكولارها و ... بر دانستن اسباب نزول بسيار تاكيد دارند، اسباب نزول را در فهم آيات قرآن بسيار تاثير گذار مي‌دانند و بسياري از كج فهمي‌ها و بد فهمي‌ها را نتيجه بي توجهي به اسباب نزول آيات مي‌خوانند. بر اين اساس جابري دگر انديش برجسته جهان عرب شناخت اسباب نزول آيات را يكي از شرايط اصلي اجتهاد مي‌شناسد. ( جابري،الحجاب... قول فيه مختلف؛ آيات الحجاب... اسباب النزول و معطيات عصرنا)

به باور اين گروه، شماري از احكام اجتماعي، كيفري و اخلاقي قرآن در پرتو اسباب نزول در خور دوباره فهمي هستند و فهمي كه از اين نگاه مجدد به دست مي‌آيد، با فهم سنتي همخوان نيست.

دگر انديشان احكام در خور توجهي از قرآن را در پرتو اسباب نزول به فهم مي‌آورند. حجاب به عنوان يكي از احكام اجتماعي قرآن در شمار احكامي است كه بسيار مورد توجه دگر انديشان قرار گرفته است. در نظرگاه دگرانديشان قرائت سنتي از آيات حجاب نتيجه بي توجهي به اسباب نزول و ياري نگرفتن از آنها در فهم آيات وحي است؛ به گونه‌اي كه اگر پيشينيان به اسباب نزول توجه داشتند و از آنها در فهم آيات حجاب سود مي‌بردند، وجوب حجاب را فرياد نمي‌كردند و حجاب زنان را خواستار نمي‌شدند.

بنابر اين شايسته است در اين نوشتار مستندات قرآني حجاب عرضه گردد و فهم دگر انديشان از اين آيات كه استوار بر اسباب نزول گشته است گزارش گردد و آن گاه اين فهم به نقد و بررسي گذاشته شود و درستي و نادرستي آن آشكارگردد.

در اين پژوهش سه آيه از آيات حجاب به بحث گذاشته مي‌شود:

آية نخست: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرَ نَاظِرِينَ إِنَاهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلا أَنْ تَنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا» (احزاب/53)

«اي كساني كه ايمان آورده‌ايد! در خانه‌هاي پيامبر داخل نشويد مگر به شما براي صرف غذا اجازه داده شود، در حالي كه( قبل از موعد نيايد و) در انتظار وقت غذا ننشينيد؛ اما هنگامي كه دعوت شديد داخل شويد؛ و وقتي غذا خورديد پراكنده شويد، و ( بعد از صرف غذا) به بحث و صحبت ننشينيد ؛ اين عمل ، پيامبر را ناراحت مي‌نمايد ، ولي از شما شرم مي‌كند( و چيزي نمي‌گويد)؛ اما خداوند از ( بيان) حق شرم ندارد و هنگامي كه چيزي از وسايل زندگي را ( به عنوان عاريت ) از آنان (همسران پيامبر) مي‌خواهيد از پشت پرده بخواهيد ؛ اين كار براي پاكي دلهاي شما و آنها بهتر است! وشما حق نداريد رسول خدا را آزار دهيد ، و نه هرگز همسران او را بعد از او به همسري خود در آوريد كه اين كار نزد خدا بزرگ است!»

آية دوم:«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لأزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (احزاب/59)

«اي پيامبر! به همسران و دخترانت و زنان مومنان بگو: جلبابها(روسري‌هاي بلند) خود را بر خويش فرو افكنند ، اين كار براي اين كه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگيرند بهتر است؛خداوند همواره آمرزنده و رحيم است.»

آية سوم: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (٣٠)وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الإرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ» (النور/30-31)

« به مومنان بگو چشمهاي خود را از نگاه به نامحرمان فرو گيرند و عفاف خود را حفظ کنند اين براي آنان پاكيزه‌تر است ؛ خداوند از آن چه انجام مي‌دهيد آگاه است! و به زنان با ايمان بگو چشمهاي خود را از نگاه هوس آلود فرو گيرند ، و دامان خويش را حفظ كنند. و زينت خود را جز آن مقدار كه نمايان است آشكار ننمايند و اطراف روسري‌هاي خود را بر سينه خود افكنند تا گردن و سينه با آن پوشانده شود ) و زينت خود را آشكار نسازند مگر براي شوهرانشان ، يا پدرانشان يا پدر شوهرانشان ، يا پسرانشان يا پسران همسرانشان يا برادرانشان يا پسران برادرانشان يا پسران خواهرانشان يا زنان هم كيششان يا بردگانشان يا افراد سفيه كه تمايلي به زن ندارند يا كودكاني كه از امور جنسي مربوط به زنان آگاه نيستند و هنگام راه رفتن پاهاي خود را به زمين نزنند تا زيينت پنهانيشان دانسته شود.»

سبب نزول آية نخست

در متون تفسيري شيعه تنها يك سبب نزول براي آيه نخست وجود دارد:

«پيامبر با زينب دختر جحش ازدواج كرد آن حضرت زينب را دوست مي‌داشت. به مناسبت اين ازدواج رسول اسلام وليمه‌اي تدارك ديد و عده‌اي را دعوت نمود. مهمانان پس از صرف غذا به گفتگو نشستند. پيامبر كه مايل بود با زينب تنها باشد از اين وضعيت ناراحت بود تا اين كه آيه شريفه فرود آمد.»(قمي، 2/195؛ فيض كاشاني 4/199؛ حويزي، 4/297)

در منابع تفسيري،روايي و تاريخي اهل سنت، آيه ياد شده چند سبب نزول دارد و اين اسباب، همسان نيستند:

1- طبري مي نويسد:

« وقتي پيامبر با زينب ازدواج كرد، گروهي براي صرف غذا دعوت شدند. مهمانان پس از صرف غذا به گفتگو با يگديگر پرداختند. توقف بسيار ايشان پيامبر را ناراحت ساخت و آن حضرت به ناچار از منزل بيرون رفتند. پس از مدتي پيامبر به منزل بازگشتند در حالي كه آن گروه هنوز نيز سرگرم صحبت بودند در اين هنگام آيه نخست فرود آمد و آن گروه به ناچار منزل پيامبر را ترك كردند.» ( طبري، 22/47)

2. انس مي‌گويد:

« پيامبر شب زفاف با زينب، وليمه‌اي از خرما و آرد تهيه ديد و گوسفندي ذبح كرد. مادرم- ام سليم- نيز يك ظرف كوچك سنگي محتوي حيس- خرمايي كه با روغن و پنير ترش شورانيده و آميخته شده تا هسته آن بيرون آيد- براي حضرت فرستاد و پيامبر(ص) به من فرمود: اصحاب را به طعام دعوت كن، من نيز اصحاب را دعوت كردم و ايشان گروه گروه به منزل پيامبر(ص) مي‌آمدند و پس از صرف غذا بيرون مي‌رفتند...اما سه نفر هم چنان در منزل پيامبر(ص) گرم صحبت بودند و علاقه‌اي به ترك منزل نداشتند. پيامبر(ص) از اين كه آن سه نفر هم چنان در مجلس نشسته بودند ناراحت بود اما حيا داشت عذر ايشان را بخواهد در اين هنگام بود كه آيه شريفه فرود آمد و پيامبر(ص) ميان خويش و من پرده‌اي كشيدند.» (واحدي نيشابوري،/205)

3.در بعضي منابع آمده است:

« وقتي پيامبر(ص) با زينب ازدواج كرد مردم براي صرف غذا دعوت شدند. مهمانان پس از صرف غذا شروع به سخن گفتن كردند، گروهي خويش را آماده رفتن نشان مي‌دادند، اما هم چنان با يگديگر گفتگو مي‌كردند. پيامبر(ص) از منزل بيرون رفت و گروهي كه منظور پيامبر(ص) را دريافته بودند منزل را ترك كردند ، اما سه نفر هم چنان در منزل ماندند و وقتي پيامبر(ص) به منزل بازگشت و آن سه نفر را ديد ، دوباره از منزل بيرون رفت ، آن گروه نيز ناگزير از ترك منزل شدند، پس از رفتن ايشان من به دنبال پيامبر(ص) رفتم و خبر رفتن آنها را به آن حضرت رساندم. پيامبر به سوي منزل حركت كردند و من نيز ايشان را همراهي مي‌كردم وقتي به منزل رسيديم پيامبر وارد شدند و وقتي من خواستم وارد شوم پيامبر پرده را انداختند و در اين هنگام آيه شريفه فرود آمد.» ( بخاري، 6/25؛ مسلم نيشابوري، 4/150؛ بيهقي، 7/87 ؛ ابن حجر، 8/407؛ نسائي،6/436؛ ابن كثير، 3/511)

4. در روايت ديگري به نقل از عمر مي‌خوانيم:

« به پيامبر گفتم: آدم‌هاي بد و خوب بر تو وارد مي‌شوند. كاش همسران خود را امر به حجاب مي‌كردي. در اين هنگام آيه شريفه فرود آمد.» (قرطبي، 14/224؛ ابن كثير، 1/175؛ شوكاني، 4/299؛ احمد بن حنبل،1/23)

5. در روايت مجاهد مي‌خوانيم:

«پيامبر روزي با شماري از ياران خويش غذا مي‌خورد، عايشه نيز در مجلس حضور داشت به هنگام صرف غذا دست يكي از اصحاب به دست عايشه خورد و پيامبر(ص) از اين موضوع ناراحت شد و پس از اين آيه، شريفه فرود آمد.» (واحدي نيشابوري،/205 )

6. در سبب نزول ديگري مي‌خوانيم:

« عمر همسران پيامبر(ص) را به حجاب امر مي‌كرد زينب به عمر اعتراض كرد و آن گاه آيه شريفه فرود آمد.» (ابن جوزي،6/212 )

از ميان اسباب نزول ياد شده، اسباب نزولي كه در منابع اهل سنت آمده است مورد استفاده دگر انديشان قرار گرفته است. اما سبب نزولي كه در منابع تفسيري و روايي شيعه آمده است مورد بهره برداري قرار نگرفته است و اين از آن جهت است كه تمامي آنان كه در پي عرضه قرائتي نو از آيات حجاب هستند در شمار اهل سنت قرار دارند و اين گروه تنها به متون تفسيري و روايي خويش اعتماد مي‌كنند.

براي نمونه فاطمه مرنيسي از پذيرش حجاب به عنوان يك حكم شرعي سرباز مي‌زند و دلالت آيه شريفه بر حجاب مورد نظر فقها را برنمي‌تابد. به باور ايشان آويختن پرده توسط پيامبر(ص) كه در سبب نزول دوم و سوم آمده است، نشان مي‌دهد كه حجاب در عبارت « فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ» (احزاب/53) به معناي ايجاد محلي امن و محفوظ از نگاه ديگران براي زفاف است نه آن چه فقها به عنوان حجاب شرعي مي‌شناسند. (مرنيسي،/153-154)

محمد عابد جابري بر خلاف مرنيسي دلالت آيه بر حجاب مورد نظر فقها را مي‌پذيرد، اما اين حكم را با استناد به چهارمين سبب نزول، خاص همسران پيامبر خوانده و از پذيرش آن به عنوان يك حكم عمومي و كلي سرباز مي‌زند. (جابري، الحجاب بين الدين و الموروث الاجتماعي)

محمد سعيد عشماوي چون مرنيسي حجاب در آيه شريفه را حجاب اصطلاحي نمي‌شناسد و مانند جابري عموميت آيه را پذيرا نيست. او حجاب را ويژه همسران پيامبر(ص) مي‌خواند و آن را ايجاد حائلي ميان همسران پيامبر(ص) و مؤمنان مي‌شناسد به گونه‌اي كه با اين حجاب همسران پيامبر(ص) اصلاً ديده نشوند. (عشماوي، حقيقه الحجاب و حجيه الحديث)

سنجش

اسباب نزول ياد شده در صورتي در خور استناد است كه درستي سند آن اثبات شود و دلالت آن نيز تمام باشد و دليل انتخاب هر يك و تقدم بر ديگر اسباب نزول بيان گردد، در صورتي كه نه خانم مرنيسي و نه جابري و عشماوي در باره سند و دلالت روايات ياد شده سخن نمي‌گويند و افزون بر اين، دليل انتخاب اين سبب نزول را از ميان چند سبب نزول ياد شده عرضه نمي‌دارند و اين در حالي است كه جابري در مورد پذيرش سبب نزول بسيار سخت گير است و هر روايتي را به عنوان سبب نزول نمي‌شناسد:

« سبب نزول آيات بايد از طريق آنان كه شاهد نزول آيات وحي بوده‌ و بر اسباب نزول آيات آگاهي داشته‌اند آن هم با سند معتبر صورت گيرد و احاديثي كه از صحابي رسيده مرفوع، و آنچه از تابعين روايت شده به عنوان مرسل معرفي شود.» (جابري،الكلام في اسباب النزول)

افزون بر اين، دكتر جابري تمامي اسباب نزول آيات را در شمار روايات احاد قرار مي‌دهد و آنها را تنها مفيد ظن مي‌خواند:

«هي في نهاية الامر روايات آحاد، وأكثرها ظنون وتخمينات.» ( جابري، التعارض والتجدد قائمان في اشياء الحياه، وليس في أحكام القرآن)

بنابر اين چگونه جابري و همفكران او با اين نگاه منفي به اسباب نزول آيات از آنها سود مي‌برند و بر پايه چنين اسباب نزولي يك نظريه تفسيري بنيان مي‌نهند و از نادرستي قرائت ديگران سخن مي‌گويند.

سبب نزول آيه دوم

سبب نزول آيه دوم نيز در منابع اهل سنت و شيعه به دو گونه متفاوت گزارش شده است:

علي بن ابراهيم قمي در سبب نزول آيه مي‌نويسد:

« زنان به مسجد مي‌رفتند و نماز جماعت را به امامت پيامبر بر پا مي‌داشتند. اين گروه وقتي براي نماز مغرب، عشاء و صبح به مسجد مي‌رفتند در تاريكي كوچه‌ها مورد اذيت و آزار قرار مي‌گرفتند به اين مناسبت آيه شريفه فرود آمد.»(قمي، 2/196، فيض كاشاني، 4/203، حويزي، 4/307 )

شماري از تفسيرگران اهل سنت در سبب نزول آيه دوم مي‌نويسند:

« وقتي زنان مدينه، شب هنگام براي قضاي حاجت بيرون مي‌رفتند جوانان مدينه ايشان را اذيت و آزار مي‌دادند به اين مناسبت آيه شريفه نازل شد.» (طبري، 22/58؛ واحدي نيشابوري، /245 ؛ سيوطي، در المنثور،5/221 )

در برخي ديگر از متون تفسيري و قرآني اهل سنت، شكل پوشش زنان آزاده و كنيزان، علت اذيت و آزار زنان آزاده معرفي شده است. ( نحاس،/5/377)

در روايت سدي نيز همين مضمون آمده است سدي مي‌گويد:

«وقتي زنان مدينه براي قضاي حاجت بيرون مي‌آمدند جوانان مدينه هر زني را كه پوشش داشت آزاده مي‌شناختند و زنان بي حجاب را كنيز مي‌دانستند و ايشان را اذيت و آزار مي‌دادند به اين مناسبت آيه شريفه فرود آمد.» ( نيشابوري،/245؛ابن جوزي،6/216).

برخي از نوانديشان عرب با استناد به اسباب نزول ياد شده علت حكم به حجاب را تمييز ميان زنان آزاده و كنيزان مي‌خوانند. براي نمونه محمد عابد جابري مي گويد:

«علت حكم به حجاب آن است كه جوانان و مردان، زنان آزاد را از كنيزان بازشناسند و ايشان را مورد اذيت و آزار قرار ندهند و به ايشان نگاه آلوده نداشته باشند.» ( جابري، الحجاب ... قول فيه مختلف؛ آيات الحجاب ... اسباب النزول و معطيات عصرنا)

افزون بر سبب نزول از عبارت « يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لأزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (احزاب/59) و برخورد تند عمر با كنيزان محجبه نيز براي رسيدن به علت حكم به حجاب بهره مي‌گيرد.

جابري در نتيجه گيري مي نويسد:

«عللي كه تشريع حجاب را موجب شده است از ميان رفته است چه اين كه زنان در عصر جديد براي قضاي حاجت از خانه بيرون نمي‌روند، برده داري رخت بربسته است و برخي از مردان برده و شماري از زنان كنيز خوانده نمي‌شوند و افزون بر اين زنان مانند گذشته نياز به همراهي كنيزان ندارند و مورد اذيت و آزار قرار نمي‌گيرند.» (همان)

و آن گاه با بهره گيري از قاعده حكم دائر مدار علت است و با وجود علت حكم مي‌آيد و با نبود علت حكم مي‌رود ، سود برده و مي‌گويند:

« بنابر اين حجاب در عصر جديد واجب نيست.» (همان)

عبدالفتاح عبدالقادر نيز با بهره گيري از اسباب نزول آيه شريفه به علت حكم به حجاب پل مي‌زند. در نگاه او علت حكم به حجاب ايجاد تفاوت ميان زنان آزاده مسلمان و كنيزان است. بنابر اين اگر علت حكم ايجاد تفاوت ميان اين دو گروه مي‌باشد و در عصر جديد گروهي از زنان به عنوان كنيز شناخته نمي‌شوند علت حكم خود به خود از ميان خواهد رفت و در نتيجه با رفتن علت، حكم نيز كه دائر مدار علت است از ميان خواهد رفت و اين مهم نشان مي‌دهد كه حجاب يك امر تاريخي است و رعايت آن در تمامي زمان‌ها و مكان‌ها واجب نيست.

نقد و سنجش

اسباب نزول ياد شده در صورتي در خور استناد است كه از جهت سند و دلالت مخدوش نباشد.

افزون بر اين آن چه دگر انديشان به عنوان علت حكم مي‌شناسند، علت حكم نيست؛ 1 بلكه فلسفه حكم است و حكم هيچ گاه دائر مدار فلسفه حكم نيست.

سبب نزول آيه سوم

در متون تفسيري اهل سنت و شيعه سه سبب نزول براي آيه شريفه آمده است:

1. امام باقر(ع) فرمود:

«جواني از انصار در مسير خود با زني روبرو گشت كه بر سر روسري بسته بود و اطراف روسري را به پشت گوشهايش انداخته بود و گردن و سينه خود را برهنه گذاشته بود. مرد جوان در حالي كه با چشمان خويش زن را دنبال مي‌كرد و متوجه جلوي خود نبود وارد كوچه‌اي شد و ناگهان صورتش به ديوار خورد و استخوان يا قطعه شيشه‌اي كه بر ديوار بود صورت او را شكافت و چهره او را غرق خون كرد. وقتي جوان خدمت پيامبر رسيد و ماجرا را براي آن حضرت تعريف كرد آيه شريفه فرود آمد.» (كليني،5/21؛حرعاملي،20/192؛ فيض كاشاني،3/430؛ حويزي،3/588؛طباطبايي،15/116)

2. جابر بن عبدالله روايت مي‌كند:

«اسماء دختر مرثد در نخلستان بود. شماري از زنان در حالي كه خلاخل، سينه و گيسوان ايشان ديده مي‌شد، نزد اسماء آمدند. اسماء گفت: از اين زشتر هم ممكن است؟ ، پس در اين هنگام آيه « وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ»(نور/31) فرود آمد.» (ابن كثير، 3/293؛ سيوطي، تفسير الجلالين،/585؛ سيوطي، لباب النقول،/144؛ شوكاني، 4/26)

3. حضرمي روايت مي‌كند:

« ان امرأة اتخذت صرتين من فضّه و اتخذت جزعا ، فمرّت علي قوم فضربت برجلها فوقع الخلخال علي الجزع فصوت فانزل الله « وَلا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ » ( سيوطي، لباب النقول في اسباب النزول، /158-159؛ در المنثور 5/44؛ طبري، 18/165؛ قرطبي، 12/238؛ ابي حيان 8/36 ؛ آلوسي، 9/340)

سبب نزول دوم عام و كلي است و بخش عمده‌اي از آيه را پوشش مي‌دهد و سبب نزول سوم خاص است و ناظر به عبارت « وَلا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ» مي‌باشد.

شماري از نوانديشان عرب با بهره‌گيري از اسباب نزول ياد شده قرائتي نو از آيه شريفه عرضه مي‌دارند. براي نمونه احمد عقله از دگر انديشان عرب، استفاده از روسري را عرف و عادت عرب جاهلي مي‌خواند به باور او مردان و زنان عصر جاهلي براي در امان ماندن از گرد و غبار و آفتاب شديد، سر و صورت خويش را پوشش مي‌دادند و گردن و سينه خويش را برهنه مي‌گذاشتند. عادت عرب جاهلي پس از ظهور اسلام ادامه يافت و زنان مسلمان چون زنان عصر جاهلي گردن و سينه خويش را برهنه مي‌گذاشتند تا اين كه آيه شريفه فرود آمد و زنان مسلمان را به پوشش سينه دعوت كرد. به باور عقله آيه شريفه تنها دلالت بر وجوب پوشش گردن دارد و پوشش سر و صورت مدلول آيه شريفه نيست كه اگر پوشش سر و صورت چون پوشش سينه مطلوب شارع بود شايسته بود فروفرستنده قرآن به صورت صريح و روشن مخاطبان قرآن را به پوشش اين قسمت‌ها فرامي‌خواند تا ايشان را از كج روي و تفسير نويسان را از عرضه خواسته‌هاي خود به نام مراد خداوند باز دارد.

دكتر محمد شحرور نيز با الهام از اسباب نزول ياد شده، تنها حجاب جيوب را مي‌پذيرد و جيوب را سينه و قسمت‌هاي مياني بدن زن مي‌شناسد.

محمد عابد جابري و محمد سعيد عشماوي نيز حجاب را يك حكم تاريخي مي‌شناسند و از سبب نزول آيه شريفه به علت حكم به حجاب پل مي‌زنند. به باور ايشان تعديل كيفيت پوشش زنان عصر نزول و ايجاد تفاوت ميان زنان آزاده و كنيزان دو علت اصلي وجوب حجاب است و چون اين دو علت در عصر جديد وجود ندارد بنابر اين حكم به حجاب نيز وجود نخواهد داشت چه اين كه حكم دائر مدار علت است با آمدن علت، حكم مي‌آيد و با رفتن علت، حكم نيز مي‌رود.

نقد و بررسي

اصلي ترين مستند قرائت‌هاي فوق اسباب نزول ياد شده است در صورتي كه اين اسباب نزول از جهاتي چند در خور استناد نيستند:

الف. سبب نزول دوم كه مستند اصلي قرائت‌هاي فوق است در شمار روايات مرسله قرار مي‌گيرد(شوكاني،4/25 ) وچنين روايتي در خور استناد نيست و نمي‌توان بر پايه آن يك نظريه تفسيري استوار ساخت.

افزون بر اين روايت اول نيز كه معتبره خوانده مي‌شود(خويي/52) مستند اين گروه از نوانديشان عرب قرار نگرفته است.

ب. اسباب نزول ياد شده نشان از عرف و عادت زنان عصر نزول ندارد بلكه تنها حكايت از كيفيت پوشش يك يا چند زن دارد و از نوع پوشش چند زن نمي‌توان به عرف و عادت زنان در يك دوره خاص دست يافت كه اگر نوع پوشش چند زن نماينگر عرف و عادت زنان آن دوره باشد تعجب اسماء كه در قالب سؤال جلوه كرده است بي معنا خواهد بود.

ج. بسياري از احكام اسلامي در شمار احكام امضايي قرار دارند و احكام امضايي احكامي هستند كه شارع تمامي آنها را امضا كرده است يا با اصلاح برخي از آنها بر درستي آنها مهر تائيد زده است. بنابر اين با اصلاح نوع پوششي كه در عصر نزول مورد استفاده قرار ‌گرفته است نمي‌توان تنها اصلاحات را پذيرا شد و اصل عرف و عادت را منكر گشت و دلالت آيه بر پوشش ديگر قسمت‌هاي بدن را باور نداشت.

زنان عصر نزول سر خود را با روسري مي‌بستند و اطراف روسري خود را به پشت سر مي‌افكندند و سينه خود را در پوشش قرار نمي‌دادند وقتي آيه شريفه فوق فرود آمد زنان مسلمان به پوشش سينه فراخوانده شدند چه اين كه اين قسمت از بدن بيش از سر و صورت مردان را تحريك مي‌كند چنان كه در سبب نزولي كه در متون تفسيري شيعه آمده است نگاه آن جوان به آن علت بود كه گردن و سينه آن زن پوشش نداشت .

د. بر اساس قواعد علم اصول، هر گاه سبب نزول خاص باشد و آيه عام، ملاك عموم سبب است و نمي‌توان به بهانه خاص بودن سبب از پذيرش عموم آيه سر باز زد و حكم آيه را به زمان و مكان خاصي محدود كرد.

هـ. افزون بر اين اين گروه از زنان نماينده جامعه زنان مسلمان عصر پيامبر نيستند چه اين كه بسياري از زنان مسلمان پس از نزول آيه شريفه « يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لأزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (احزاب/59) خود را در حجاب قرار ‌دادند به خصوص با نظر داشت اين نكته كه آية شريفة سورة احزاب در سال پنجم فرود آمده و آية مورد بحث در سورة نور قرار گرفته است و سوره نور در سال ششم هجري نازل شده است. به عبارت ديگر معهود زنان عرب پس از نزول آيات سوره احزاب پوشش كامل بوده است بنابر اين سبب نزول ياد شده ناسازگار با معهود عرب است و چنان كه آقاي جابري مي‌گويد يكي از ملاك‌هاي بررسي روايات اسباب نزول سازگاري با معهود عرب است.(جابري، التوافق مع معهود العرب)

منابع و مآخذ

1. آلوسي، محمود؛ روح المعاني، دار احياء التراث العربي، بيروت.

2. ابن جوزي؛ زاد المسير في علم التفسير، دار الفكر، بيروت.

3. ابن حجر، فتح الباري، دار المعرفة، بيروت.

4. ابن كثير؛ تفسير ابن كثير،دار المعرفة، بيروت.

5. ابي حيان؛ البحر المحيط، دار احياء التراث العربي، بيروت.

6. احمد بن حنبل؛ مسند احمد، دار صادر، بيروت.

7. بخاري؛ صحيح بخاري، دار الفكر، بيروت.

8. بيهقي؛ سنن كبري، دار الفكر، بيروت.

9. جابري، محمد عابد؛ التعارض والتجدد قائمان في أشياء الحياة وليس في أحكام القرآن (www.aljabriabed.net/textes)

10. ---------- ؛ التوافق مع معهود العرب (www.almothaf.com/index.)

11. ---------- ؛ الحجاب بين الدين و الموروث الاجتماعي( http://okda.blogspot.com)

12. ---------- ؛ الحجاب... قول فيه مختلف ( http://anouar.blogspirit.com)

13. ---------- ؛ الكلام في أسباب النزول ( www.alarabalyawm.net/pages )

14. ---------- ؛آيات الحجاب... اسباب النزول و معطيات عصرنا ( http://anouar.blogspirit.com)

15. حر عاملي، محمد بن الحسن؛ وسائل الشيعة، آل البيت، قم.

16. خويي، ابوالقاسم؛ كتاب النكاح، مدرسه دار العلم.

17. سيوطي، جلال الدين؛ تفسير الجلالين، دار المعرفة، بيروت.

18. ----------- ؛ در المنثور، دار الفكر، بيروت.

19. ----------- ؛ لباب النقول في اسباب النزول، دار احياء العلوم، بيروت.

20. شوكاني، محمد؛ فتح القدير، عالم الكتب.

21. شيخ حويزي؛ تفسير نورالثقلين، اسماعيليان، قم.

22. طباطبايي، محمد حسين؛ الميزان، جامعه مدرسين، قم.

23. طبري، ابن جرير؛ جامع البيان، دار الفكر، بيروت.

24. عبدالفتاح عبدالقادر، اشرف؛ الحجاب ليس فريضة اسلامية، (www.kwtanweer.com/articles/readarticle.)

25. عشماوي، محمد سعيد؛ حقيقة الحجاب و حجية الحديث ، چاپ اول، موسسه روز يوسف ، 2002م. (www.exmuslim.com/books)

26. عقله، احمد؛ زي المرأة في الاسلام، (www.knoooz.com)

27. فيض كاشاني؛ تفسير صافي، مكتبة الصدر، تهران.

28. القدال، محمد سعيد، الحجاب في الخطاب القرآني(www.alsahafa.info/index)

29. قرطبي؛ الجامع لاحكام القرآن، دار احياء التراث العربي، بيروت.

30. قمي، علي بن ابراهيم؛ تفسير قمي، دار الكتاب للطباعة و النشر، قم.

31. كليني، محمد بن يعقوب؛ الكافي، چاپ سوم، دار الكتب الاسلامية.

32. مرنيسي، فاطمه؛ زنان پرده نشين و نخبگان جوشن پوش، نشر ني، تهران، 1380ش.

33. مسلم نيشابوري؛ صحيح مسلم، دار الفكر، بيروت.

34. نحاس؛ معاني القرآن، مركز احياء التراث الاسلامي، سعودي.

35. نسائي، السنن الكبري، دار الكتب العلمية، بيروت.

36. واحدي نيشابوري؛ اسباب نزول الآيات، المكتبة الثقافية، بيروت.

پي نوشت ها

1. علت حكم وجود صفتي در حكم است كه با وجود آن حكم پديد مي‌آيد و با رفتن آن حكم نيز رخت برمي‌بندد در صورتي كه تمييز ميان زنان آزاده و كنيزان صفت حكم به حجاب نيست.